

The Transcendent and Secular Security Aspects of Ferdowsi's Shahnameh

Ali Asqar Nasiri¹

1. Assistant Professor in Shahroud University of Technology, Shahroud, Iran; a.n91@chmail.ir

Received: 4 February 2018; **Revised:** 12 August 2018; **Accepted:** 11 August 2019

Abstract

The pre-Islamic ancient period of Iran is one of the most important eras affecting the understanding of the evolution of Iran's security thought. However, few researches have been conducted in this area. Ferdowsi's Shahnameh is one of the texts in which research may reveal a small deal of ancient Iranian security thought; this paper tries to investigate the security aspects of Shahnameh. The main question of the paper is what statements in Ferdowsi's Shahnameh refer to security? To answer this question, the inferential method is employed in the context of the seven components derived from schools and security theories in the bed of two paradigms of "transcendental security" and "secular security". The most important finding of the present paper is that in Ferdowsi's Shahnameh, propositions can be found referring to each of the seven transcendental components and the concept of secular security: dimensions, reference, levels, insiders and outsiders, security-achieving methods and strategic security strategies.

Keywords: Ancient Iran, Ferdowsi's Shahnameh, Transcendental Security, Secular Security

وجوه امنیتی متعالی و متدانی شاهنامه‌ی فردوسی

علی اصغر نصیری^۱

۱. استادیار دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود: a.n91@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۹۷/۵/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۰

چکیده

دوره‌ی ایران باستان قبل از اسلام، از مهم‌ترین ادواری است که در شناخت سیر تحول اندیشه‌ی امنیتی ایران مؤثر است. با این وجود، پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت پذیرفته است. شاهنامه‌ی فردوسی از جمله‌ی متونی است که پژوهش در آن می‌تواند گوشه‌ای از اندیشه‌ی امنیتی ایران دوره‌ی باستان را آشکار کند؛ این مقاله درصدد است وجوه امنیتی شاهنامه را بررسی نماید. سوال اصلی مقاله این است که چه گزاره‌هایی در شاهنامه‌ی فردوسی بر امنیت اشاره دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، از روش استنباطی در چارچوب مؤلفه‌های هفتگانه‌ی برگرفته از مکاتب و نظریه‌های امنیتی در بستر دو پارادایم "امنیت متعالیه" و "امنیت متدانی" استفاده شده است. مهم‌ترین یافته‌ی مقاله آن است که در شاهنامه‌ی فردوسی گزاره‌هایی را می‌توان یافت که به هریک از مؤلفه‌های هفتگانه‌ی متعالیه و متدانیه‌ی مفهوم امنیت: ابعاد، مرجع، سطوح، خودی و غیرخودی، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی اشاره دارند.

واژه‌های کلیدی: ایران باستان، شاهنامه‌ی فردوسی، امنیت متعالی، امنیت متدانی.

مقدمه

امنیت یکی از نیازهای کلیدی و ضروری زندگی اجتماعی انسان است. این امر اختصاص به زمان حاضر ندارد؛ زیرا مراجعه به تاریخ زندگی سیاسی اجتماعی ملت‌ها نشان می‌دهد توجه به امنیت و تأمین آن در کنار دیگر نیازهای اولیه‌ی انسان از جایگاه ویژه و برجسته‌ای برخوردار بوده است. دوره‌ی ایران باستان از جمله‌ی ادواری در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود که تاکنون از جهت مطالعات امنیتی کم‌تر مود توجه واقع شده است. در این میان شاهنامه‌ی فردوسی یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که به بیان تاریخ سیاسی و اجتماعی دوره‌ی ایران باستان پرداخته است. با این وجود از جهت مطالعات امنیتی هنوز آن‌گونه که باید، موضوع پژوهش واقع نشده است؛ تاجایی که می‌توان گفت به‌جز یک کتاب با عنوان "امنیت در شاهنامه" (کرم‌زاده دیزجی، ۱۳۹۴) تاکنون هیچ اثر دیگری در این زمینه تولید نشده است. این مقاله درصدد است تا پیش‌درآمدی برای این کار باشد و وجوه امنیتی شاهنامه‌ی فردوسی را در قالب چارچوب نظری برگرفته از عناصر هفتگانه‌ی مکاتب امنیتی، در بستر دو پارادایم کلان در مسأله‌ی امنیت، یعنی "امنیت متدانی" و "امنیت متعالی"، بررسی نماید.

به‌همین منظور در ابتدا پارادایم و چارچوب نظری مذکور تبیین خواهد گردید و سپس مؤلفه‌های هفتگانه در شاهنامه‌ی فردوسی بررسی خواهند شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این مقاله به این‌صورت است که در ابتدا هر یک از مؤلفه‌های هفتگانه را به‌طور مختصر توضیح خواهیم داد؛ سپس ابیات دلالت‌کننده بر هر یک از مؤلفه‌های مذکور را گزینش خواهیم نمود. در مرحله‌ی بعد، ابیات مورد استناد، با ارجاع به یکی از شروح شاهنامه توضیح داده خواهند شد و در نهایت، تحلیل و برداشت نویسنده و وجه دلالت امنیتی ابیات منتخب بیان خواهند گردید.

۱. چارچوب نظری

امنیت از جهت رعایت چارچوب‌های دینی و مقیدشدن به احکام اسلامی، به "امنیت متعالی"

و "امنیت متدانی" (حداقلی و حداکثری) تقسیم می‌شود. در امنیت متعالی، متعلق امنیت، علاوه بر مواردی هم‌چون: فرهنگ، منافع ملی، حقوق و آزادی‌های شهروندان؛ شامل حقوق الهی (احکام دین) نیز می‌شود. به عبارت دیگر، دالّ محوری از میان متعلقات امنیت، "رعایت شریعت اسلامی" است. در واقع، امنیت متعالی، امنیت در چارچوبی است که حقوق الهی در نظر گرفته می‌شود. در مقابل، امنیت متدانی که خود به امنیت متدانی حداکثری و حداقلی تقسیم می‌شود، فاقد این مؤلفه‌ی محوری است. متعلق امنیت در قسم متدانی حداکثری، صرفاً شامل فرهنگ جامعه، منافع ملی، حقوق و آزادی‌های شهروندان است و رعایت حقوق الهی و شریعت اسلامی را دربر نمی‌گیرد. امنیت موجود در نظام‌های مردم‌سالار سکولار (لیبرال دموکراسی و سوسیال دموکراسی) از جمله‌ی مصادیق این قسم محسوب می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین فرق امنیت متدانی حداکثری با امنیت متعالی، عدم توجه نسبت به امنیت حقوق الهی در زندگی اجتماعی شهروندان است. هرگاه متعلق امنیت متدانی، تنها شامل امنیت فرهنگ تحمیلی حکومت باشد، "امنیت متدانی حداقلی" نامیده می‌شود. این قسم از امنیت متدانی در نظام‌های استبدادی سنتی (مانند سلطنتی) یا مدرن (مانند کمونیستی و یا ریاست جمهوری دائمی) مشاهده می‌شود که در واقع، امنیت طبقه‌ی حاکم است. بنابراین، مهم‌ترین تفاوت امنیت متدانی حداقلی با دو قسم دیگر، بی‌توجهی به امنیت حقوق الهی و امنیت حقوق و آزادی‌های شهروندان است (نصیری، ۱۳۹۶ الف و همو، ۱۳۹۶ ب: ۹۷-۱۱۳).

از میان مؤلفه‌ها و عناصر مختلف تشکیل‌دهنده‌ی مکاتب و نظریه‌های امنیتی: مفهوم امنیت، ابعاد امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت، مسأله‌ی دوست و دشمن، روش‌های تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی، از جمله‌ی مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر امنیت به‌شمار می‌روند که پاسخ هر یک از مکاتب و نظریه‌های امنیتی متدانی و متعالی به آن‌ها با یک‌دیگر متفاوت است. در جدول صفحه‌ی بعد، پاسخ مکاتب متدانی و متعالیه نسبت به هر یک از مؤلفه‌های هفتگانه مشاهده می‌شود.

ردیف	مؤلفه‌های مطرح در نظریه‌ها و مکاتب امنیتی	پاسخ نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متدانیه	پاسخ نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متعالیه
۱	مفهوم امنیت	مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با نظرداشت و محوریت بقای دنیوی	مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با نظرداشت و محوریت بقای ابدی
۲	ابعاد امنیت	مضیق / موسع (فقط دنیا)	متعالی (دنیا و عقبا)
۳	مرجع امنیت	رژیم / دولت / جامعه / فرد	اسلام
۴	سطح امنیت	بین‌المللی / منطقه‌ای / ملی / اجتماعی	انسان در همه سطوح عقلی، قلبی، جسمی، فردی، خانوادگی، ملی، منطقه‌ای و جهانی
۵	دوست و دشمن	مبتنی بر منافع دنیوی (نژادی، قومی، ملی و...)	مبتنی بر دستورهای الهی و اجتناب از طاغوت (الله و طاغوت)
۶	روش‌های تحصیل امنیت	زور / اقتدار / سلطه / اغواء / اغفال / اقتاع / تطمیع / تهدید	ایمان + عمل صالح (پرهیز از ظلم) + دعوت + جهاد (اکبر، کبیر، افضل و اصغر)
۷	راهکارهای استراتژیک امنیتی	تقدیم ارزش‌های مادی و دنیوی بر ارزش‌های الهی و معنوی: چه در حفظ وضع موجود / تغییر وضع موجود / چه در جنگ / صلح / دفاع	تقدیم ارزش‌های الهی و معنوی بر ارزش‌های مادی و دنیوی: چه در حفظ وضع موجود / تغییر وضع موجود / چه در جنگ / صلح / دفاع

۲. مؤلفه‌های هفتگانه‌ی امنیت در شاهنامه‌ی فردوسی

۲.۱. مؤلفه‌ی اول؛ مفهوم امنیت

از آن‌جایی که امنیت از جمله‌ی مفاهیم سازه‌ای است، لذا هر یک از مکاتب امنیتی می‌توانند آن را براساس نظام فرهنگی و ارزشی خود تعریف کنند. با توجه به این مطلب، در نظریه‌ها و مکاتب امنیتی متدانی، امنیت به مصونیت «الف» از تعرض «ب» برای نیل به «ج» با در نظر داشت و محوریت بقای دنیوی تعریف می‌گردد؛ در مکتب امنیت متعالی نیز امنیت به مصونیت «الف» از

تعرض "ب" برای نیل به "ج" با در نظر داشتن و محوریت بقای ابدی تعریف می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۳: ۱۳).

از ابیات ذیل در شاهنامه، مفهوم امنیت را می‌توان برداشت کرد.

و گر جز ز من دیگر آید کسی نباید بدو بودن ایمن بسی

مهرآبادی (۱۳۷۹) در شرح این بیت می‌نویسد: «بهرام به فرود گفت: [ولی اگر جز من کسی بدینجا آید، نباید که بر او بسیار بی‌ترس باشی]» (ج ۱: ۶۷۷).

ز برگشتن دشمن ایمن مشو زمان تا زمان آگهی خواه نو

به‌جایی که رستم بود پهلوان تو ایمن بخسپی بیچد روان

مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد: «افراسیاب به پیران پهلوان گفت: [پس تو از دشمنی که بازگشت، به زینهار مباش و پیوسته از او آگهی یاب. و بدان در جایی که رستم، پهلوان باشد، نباید که بی‌ترس بخوابی]» (همان: ۷۲۰). اگرچه ابیات فوق صراحتاً به متدانی بودن یا متعالی بودن مفهوم امنیت اشاره ندارند، اما قدر متیقن این است که بر اصل مفهوم امنیت اشاره می‌کنند.

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد بهر دو سرا

مهرآبادی در شرح این بیت آورده است: «خرد، هم راهنمای توست و هم دلگشای. خرد است که دست تو را در هر دو سرا می‌گیرد» (همان: ۳۲). البندار (۱۹۹۳م) نیز در شرح خود ذیل این بیت می‌نویسد: «العقل یهدیک و یشرح صدرک، و یاخذ بیدک فی الدارین فیسلد» (ج ۱: ۵). از بیت فوق، مفهوم متعالی از امنیت استفاده می‌شود؛ زیرا به بقای اخروی نیز توجه دارد. به این معنا که خردگرایی در هر دو سرا یاری‌دهنده‌ی انسان است. به عبارت دیگر خردگرایی و حرکت بر محور خرد، امنیت را هم در دنیا و هم در آخرت تأمین می‌نماید.

۲,۲. مؤلفه‌ی دوم؛ ابعاد امنیت

برخی مکاتب امنیتی، امنیت را مضیق می‌دانند و آن را صرفاً در بُعد نظامی خلاصه می‌کنند. به‌عنوان مثال، مکتب امنیتی رئالیستی از امنیت مضیق سخن می‌گوید. در مقابل، برخی دیگر از مکاتب امنیتی هستند که از امنیت موسع دفاع می‌کنند و معتقدند که امنیت علاوه بر بُعد نظامی

دارای ابعاد دیگری مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نیز می‌باشد (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶ و عبدالله‌خانی، ۱۳۸۹).

نکته‌ای که در این‌جا وجود دارد این است که مکاتب فوق، امنیت مضیق و موسع را برای امنیت زندگی دنیوی بشر مطرح می‌کنند و توجهی به امنیت انسان در زندگی آخرتی او ندارند. لذا این مکاتب، متدانی نامیده می‌شوند. در حالی که در دیدگاه اسلامی امنیت علاوه بر بُعد دنیوی، شامل بُعد اخروی نیز می‌شود؛ البته با این توضیح که در وضعیت تعارض بین دنیا (ارزش‌های مادی) و آخرت (ارزش‌های معنوی)، امنیت اخروی بر امنیت دنیوی مقدم می‌شود. این امر در دین اسلام، در مقدمه‌بودن دنیا نسبت به آخرت ریشه دارد: «الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۸۳)؛ لذا مکتب امنیتی اسلام، متعالی نامیده می‌شود.

بررسی ابیات شاهنامه‌ی فردوسی نشان می‌دهد که در آن به ابعاد مختلف امنیت اشاره شده است؛ که در ادامه چند نمونه بیان می‌شود.

نپرداختی شاه روزی ز جنگ	به شادی نبودیش جای درنگ
چو جایی ز دشمن بپرداختی	دگر بدکنش سر برافراختی
همی گفت کز کردگار جهان	بخوادم همی آشکار و نهان
که بی‌دشمن آرم جهان را بدست	نباشم مگر شاد و یزدان‌پرست

مهرآبادی و یغمایی در شرح ابعاد فوق می‌نویسند:

لیک اردشیرشاه یک روز نیز از جنگ آسوده نمی‌شد و چون جایی را از دشمن تهی می‌کرد، دشمن دیگری سر برمی‌آورد. پیوسته می‌گفت: من در آشکار و نهان از کردگار کیهان می‌خواهم که گیتی را بی‌هیچ دشمنی به‌دست آورم و دیگر خود به پرستش یزدان پاک پردازم. (مهرآبادی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۹۷ و یغمایی، ۱۳۶۷:

(۵۰۸)

در ابیات فوق، به بُعد نظامی امنیت اشاره شده است. در واقع اردشیرشاه برای تأمین امنیت در قلمرو خود، با استفاده از قدرت نظامی به تهدید دشمنان پاسخ داده است.

شه روم و هندوستان و یمن همه نامه کردند بر تهمتن
 و زو دین گزارش همی خواستند مرین دین به را بیاراستند
 گزارش همی کرد اسفندیار به فرمان یزدان همی بست کار
 چو آگه شدند از نکو دین اوی گرفتند آن راه و آیین اوی
 بتان از سر کوه می سوختند به جای بت آذر بر افروختند

مهرآبادی (۱۳۷۹) در شرح ابعاد فوق می نویسد:

[اسفندیار] در روم و هندوستان بگشت و از دریا و تاریکی بگذشت و در همه جا
 به فرمان یزدان پروردگار، آن کیش را گزارش بکرد. چون از کیش نیکوی او آگه
 گشتند، راه و آیین او را بگرفتند و به آن کیش به آمدند و به جای بت، آتش
 برافروختند (ج ۲: ۴۲۸).

ابیات فوق بر امنیت فرهنگی افراد و کشورها دلالت دارد؛ با این توضیح که در ابتدا مردم
 مناطق مذکور از پادشاه ایران - گشتاسب - خواستند که در مورد دین زرتشت آگاهی یابند. در
 این راستا، اسفندیار دین زرتشت را بر مردم کشورهای مذکور گزارش نمود و سپس آن‌ها پس از
 اطلاع یافتن از آن، آزادانه دین زرتشت را پذیرفتند.

تو را دانش و دین رهاند درست در رستگاری بیایدت جست
 و گر دل نخواهی که باشد نژند نخواهی که دائم بوی مستمند
 به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی
 اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبی و علی گیر جای

مهرآبادی در شرح ابعاد فوق می نویسد:

ای انسان! همانا که رهایی تو به دانش و دین است. پس بر تو است جستن راه
 رستگاری. اگر نخواهی که دلت نژند باشد و پیوسته مستمند باشی، پس به گفتار
 پیامبر خود گرای و به این آب، دل خود از تیرگی‌ها بشوی... . پس تو نیز ای
 انسان، اگر امید آن داری که به سرای دیگر رستگار گردی، پس به نزد پیامبر و آن

اندرز شده جای گیر. (همان، ج ۱: ۳۶-۳۷)

ابیات فوق بر امنیت متعالی دلالت دارند؛ زیرا در این ابیات، عمل به دین و حرکت در مسیر سنت پیامبر اسلام (ص) در دنیا به عنوان عامل نجات و رهایی و رستگاری در سرای آخرت معرفی شده است. این دانایی در واقع به معنای حاکم بودن نوعی نگاه آخرتی در زندگی دنیوی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر به معنای لزوم توجه به امنیت انسان در سرای آخرت در کنار توجه به امنیت او در زندگی دنیوی است.

۲,۳. مؤلفه‌ی سوم؛ مرجع امنیت

مرجع امنیت به معنای مطلق به چیزی گفته می‌شود که در صورت تعارض آن با امنیت‌های دیگر، بر آن امنیت‌ها مقدم می‌شود. در مکاتب امنیتی متدانی، به تناسب نظام ارزشی پذیرفته در آن مکاتب: فرد، جامعه، دولت یا رژیم به عنوان مرجع امنیت قرار می‌گیرد. در مکتب امنیتی متعالیه، دین اسلام به عنوان مرجع امنیت به شمار می‌رود. «حفظ اسلام یک فریضه‌ی الهی است؛ بالاتر از تمام فرایض. یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۳۲۹).

چو بر دین کند شهریار آفرین	برادر شود شهریاری و دین
نه بی‌تخت شاه‌یست دینی به پای	نه بی‌دین بود شهریاری به جای
دو دیباست یک در دگر بافته	برآورده پیش خرد تافته
نه از پادشا بی‌نیازست دین	نه بی‌دین بود شاه را آفرین
چنین پاسبانان یک‌دیگرند	تو گویی که در زیر یک چادرند
نه آن زین نه این زان بود بی‌نیاز	دو انباز دیدیمشان نیک‌ساز
چو باشد خداوند رای و خرد	دو گیتی همی مرد دینی برد
چو دین را بود پادشا پاسبان	تو این هر دو را جز برادر مخوان
چو دین‌دار کین دارد از پادشا	مخوان تا توانی ورا پارسا
هرآن‌کس که بر دادگر شهریار	گشاید زبان مرد دینش مدار

مهرآبادی (۱۳۷۹) در شرح ابعاد فوق می‌نویسند:

چون شهریاری بر کیش باشد، دیگر پادشاهی و کیش با یکدیگر برادر گردند. نه کیش، بی‌تخت شاهی بر پای خواهد بود و نه شهریاری، بی‌کیش بر جای می‌ماند. کیش و پادشاهی، دو بنیادی هستند که در یکدیگر بافته شده‌اند. نه کیش از پادشاه بی‌نیاز است و نه بی‌کیش، بر شاه آفرین خواهد بود. این دو چنان پاسبان یکدیگر هستند که گویی هر دو به زیر یک چادرند. نه آن از این بی‌نیاز است و نه این از آن. هر دو، دو یار نیک‌سازند. خردمند داند که مردی که بر کیش باشد، در هر دو گیتی کامروا خواهد بود. چون پادشاه پاسبان کیش باشد، پس تو این هر دو را برادر بخوان. هرکسی که زبان بر شهریاری دادگر بگشاید، دیگر او را مرد کیش مخوان. چون کسی که بر کیش باشد، از پادشاه کینه‌ای داشته باشد، به هوش باش تا او را پارسا نخوانی. (ج ۲: ۸۱۴-۸۱۵)

از ابیات فوق فهمیده می‌شود که به دلیل ارتباط وثیق میان دین و نظام سیاسی در جامعه، و جایگاه کلیدی آن دو در شاهنامه، دین و حکومت به‌عنوان مرجع امنیت محسوب می‌شوند. با این حال از ابیات دیگری مانند ابیات ذیل نیز استفاده می‌شود که فقط دین، مرجع امنیت به حساب می‌آید:

بدو بگرو آن دین یزدان بود نگه کن ز سر تا چه پیمان بود
تو مگذار هرگز ره ایزدی که نیکی ازویست و هم زو بدی

مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد:

پس هشدار که هرگز سر از دین خدای مپیچی؛ چه دینداری، اندیشه پاک می‌آورد. اکنون از آینده بشنو که داوری‌ای نو در گیتی شود و موبدی از خاور زمین به پیامبری بیاید. پس به هوش باش تا هرگز بر او نتازی و به او گرای؛ چه آن دین، دین یزدان باشد. و تو هرگز دین یزدان را رها مکن که نیکی و بدی از اوست (همان، ج ۱: ۲۴۱).

۲,۴. مؤلفه‌ی چهارم؛ سطوح امنیت

در اسلام، انسان یکی از اساسی‌ترین سطوح امنیت به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که سازنده‌ی سطوح دیگر امنیت اعم از خانوادگی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. به‌دلیل چنین جایگاه کلیدی‌ای که انسان دارد، دین اسلام نیز متناسب با سطوح و لایه‌های وجودی او یعنی: باورها، گرایش‌ها و رفتارها؛ از سه بخش: "اصول دین" (برای تنظیم باورهای انسان، یعنی ساحت روح و عقل)، "اخلاق" (برای تهذیب نفس) و "فقه" (برای تنظیم رفتار انسان) تشکیل شده است. در صورت تنظیم لایه‌های وجودی انسان با هریک از سه بخش مذکور، ضمن تحقق امنیت در سطح انسانی، امنیت در دیگر سطوح نیز تأمین خواهند شد.

اگرچه در مکاتب امنیتی متدانی، سطوح امنیت شامل سطح فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. اما به‌دلیل بی‌توجهی این مکاتب نسبت به سه ساحت مورد نظر دین و بالتبع سه لایه‌ی وجودی انسان، امنیت در دیگر سطوح نیز به‌معنای واقعی آن محقق نخواهد شد. چنین امنیتی، شکننده و ناپایدار خواهد بود.

از ابیات ذیل می‌توان سطوح امنیت در شاهنامه را برداشت نمود:

چو ایمن شوم هرچه گویی بگوی بگویم بجویم بدین آب روی
نهفته همه گنج کابلستان بکوشم رسانم به زابلستان

یغمایی (۱۳۶۷) در شرح ابیات فوق می‌نویسد: «[سیندخت گفت:]: پیمان ببند که بر جان من گزند نرسانی تا آنچه خواهی و پرسی به‌راستی جواب بگویم» (۷۹). مهرآبادی (۱۳۷۹) نیز ذیل ابیات فوق می‌نویسد:

سیندخت گفت: ای پهلوان! نخست از تو پیمانی می‌خواهم که گزندی بر جان من
و خویشانم نرسانی. چون زینهار یابم، هر آنچه خواهی بگویم. و بدان که مرا کاخ
و ایوان و گنج بسیار است؛ اگر از گزند تو زینهار یابم، می‌کوشم تا همه‌ی گنج
کابلستان را به زابلستان رسانم (ج: ۱: ۲۱۶).

از آن‌جا که سیندخت تصور می‌کرده که تهدیدی متوجه جان وی است، لذا برای حفاظت از

جان خود از پهلوان درخواست کرده تا پیمان ببندد که آسیب جانی به وی نرساند. لذا می‌توان گفت ابیات فوق بر سطح فردی امنیت دلالت دارند.

جهان ایمن از تیر و شمشیر تست سر ماه با چرخ در زیر تست
مهرآبادی در شرح بیت فوق می‌نویسد: «گیتی در پناه تیر و شمشیر تو است و ماه و آسمان را
در زیر داری» (همان: ۴۸۱).

در بیت فوق اگر جهان را به معنای واقعی خود در نظر بگیریم می‌توان گفت که بیت فوق به سطح بین‌المللی امنیت اشاره دارد؛ اما اگر جهان را به محدوده و قلمرو پادشاهی معنا کنیم، در این صورت بیت فوق به امنیت در سطح ملی اشاره دارد.

درم بخش هر ماه درویش را مده چیز مرد بداندیش را
اگر کشور آباد داری بداد بمانی تو آباد وز داد شاد
و گر هیچ درویش خسپد به بیم همی جان فروشی بزر و به سیم
مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد:

هر ماه به تهیدستان درم ببخش؛ لیک به بداندیشان چیزی مده. آگاه باش که اگر
کشور را با دادگری آباد بداری، تو نیز از آن داد، آباد و شاد خواهی ماند. ولی اگر
هیچ تهیدستی با بیم بخوابد، همانا که جان خود را به زر و سیم فروخته باشی
(همان، ج ۲: ۸۰۴).

ابیات فوق به سطح اجتماعی امنیت اشاره دارند. در واقع رسیدگی به فقرای جامعه و تأمین مالی و توجه به آنها باعث افزایش امنیت در سطح جامعه می‌گردد. هم‌چنین بیت دوم که از آبادانی کشور سخن می‌گوید، در واقع به سطح ملی امنیت نیز اشاره دارد.

گر ایمن کنی مردمان را بداد خود ایمن بخسبی و از داد شاد
پاداش نیکی بیابی بهشت بزرگ آنک او تخم نیکی بکشت
مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد:

اینک بدان که اگر دودمان خود را با دادگری زینهار دهی، خودت نیز از این داد، در

زینهار و شاد بخوابی و سرانجام نیز به پاداش این کار، بهشت را بیابی. همانا کسی بزرگ است که همواره تنها تخم نیکی بکاشت (همان، ج ۳: ۴۳۹).
بیت اول از ابیات بالا، بر امنیت اجتماعی دلالت دارد. مضمون بیت دوم که از بهشت به‌عنوان پاداش نیکی سخن می‌گوید نیز به‌نوعی بر امنیت معنوی در سطح فردی اشاره می‌کند.

۲,۵. مؤلفه پنجم خودی و غیرخودی (دوست و دشمن)

خودی و غیرخودی در مکاتب امنیتی متدانی حول محور منافع دنیوی اعم از نژادی، قومی و ملی تعریف می‌شود؛ اما در مکتب امنیتی متعالی، خودی و غیرخودی مبتنی بر دستورات الهی و اجتناب از طاغوت معنا پیدا می‌کند. ضحاک، افراسیاب، ابلیس از جمله‌ی شخصیت‌های منفی شاهنامه هستند که غیرخودی و دشمن به‌شمار آمده‌اند؛ اما یزدان، رستم، کاوه‌ی آهنگر و فریدون از جمله‌ی خودی‌ها و دوستان شاهنامه معرفی شده‌اند.

فرومایه ضحاک بیدادگر	بدین چاره بگرفت جای پدر
[پس آیین ضحاک وارونه‌خوی	چنان بد که چون می‌بدش آرزوی]
[ز مردان جنگی یکی خواستی	بکشتی چو با دیو برخاستی]
[کجا نامور دختری خوب‌روی	بپرده درون بود بی‌گفت‌گوی]
[پرستنده کردیش بر پیش خویش	نه بر رسم دین و نه بر رسم کیش]

مهرآبادی در شرح ابیات فوق می‌نویسد:

ضحاک که خویی واژگونه داشت، این چنین بود که هرگاه آرزوی می‌گساری داشت، یکی از مردان جنگی را نزد خود می‌خواند و او را به‌سان دختری زیبا روی می‌آراست و به پیش خود، پرستنده می‌کرد و او را نه آیین کیان بود و نه پیروی کیش (همان، ج ۱: ۱۹۵).

سزای تو دیدی که یزدان چه کرد
ز دیو و ز جادو برآورد گر
مهرآبادی در شرح بیت فوق می‌نویسد: «اکنون ببین که یزدان، سزای گناهکاران چه کرد و چگونه دیو و جادو را نابود ساخت» (همان: ۳۳۷).

سپه گفت کین برتری خود مجوی سخن زین نشان هیچ‌گونه مگوی
 کزین کوه کس پیش‌تر نگذرد مگر رستم این رزمگه بنگرد
 بباشیم بر پیش یزدان بیای که اویست بر نیکوی رهنمای
 بفرمان دارنده‌ی هور و ماه تهمتن بیاید بدین رزمگاه

مهرآبادی در شرح این بیت‌ها نوشته است:

لیک چون سپاهیان آن سخنان توس را شنیدند، بدو گفتند: این برتری را مجوی و این‌گونه سخن مگوی. بدان که هیچ‌یک از ما از این کوه پیش‌تر نرویم، مگر این‌که رستم به این رزمگاه رسد. پس ما در پیشگاه یزدان - که بر نیک و بد راهنمای ما است - به پای ایستیم؛ باشد که به فرمان آن دارنده‌ی خورشید و ماه، تهمتن به این رزمگاه آید (همان: ۷۶۸).

در ابیات بالا علاوه بر اشاره به یزدان، به رستم نیز به‌عنوان یک دوست و خودی اشاره شده است. توجه ویژه به یزدان در ابیات شاهنامه و جایگاه کلیدی آن، به‌ویژه در تشخیص خوبی و بدی، و نیز تمسک جستن شخصیت‌های مثبت از او، نشان می‌دهد که دوستی و دشمنی و خودی و غیرخودی در شاهنامه براساس یزدان‌گرایی است؛ لذا در طبقه‌بندی پارادایم‌های امنیت، ذیل مکتب امنیتی متعالی قرار می‌گیرد.

۲,۶. مؤلفه‌ی ششم؛ روش‌های تحصیل امنیت

در مکتب امنیتی متدانیه، زور، اقتدار، سلطه، اغواء، اغفال، اقناع، تطمیع، تهدید، از جمله‌ی روش‌های تحصیل امنیت به شمار می‌روند. اما در مکتب امنیتی متعالی، ایمان، عمل صالح، پرهیز از ظلم، دعوت، جهاد از جمله‌ی روش‌های تحصیل امنیت به شمار می‌روند.

ز دادش جهان یک سر آباد کرد دل زبردستان به‌خود شاد کرد
 جهاندار چون گشت با داد جفت زمانه بی او نیارد نهفت

مهرآبادی در شرح این ابیات می‌نویسد: «اردشیر نمی‌گذاشت که هیچ‌کس نیازمند باشد؛ مگر کسی که سختی و نیاز خود را پنهان می‌داشت. در دادگری آزرم هیچ‌کس را نمی‌جست؛ از داد او

همه‌ی گیتی، آباد و دل زیردستانش بدو شاد بود» (همان، ج ۲: ۸۰۸). در بیت بالا، دادگری از جمله‌ی روش‌هایی است که باعث آبادانی سرزمین‌ها و شاد شدن مردم می‌شود؛ در واقع آبادانی و شاد بودن مردم جامعه یکی از مصادیق بعد اجتماعی و اقتصادی امنیت به‌شمار می‌رود.

چنان دان که بیدادگر شهریار بود شیر درنده در مرغزار
دل زیردستان ما شاد باد هم از داد ما گیتی آباد باد
جهان راست کردم به شمشیر داد نگه داشتم ارج مرد نژاد
در ابیات مذکور نیز دادگری یکی از روش‌های تحصیل امنیت معرفی شده است.

نگهدار تن باش و آن خرد چو خواهی که روزت به بد نگذرد
در این بیت نیز خردگرایی به‌عنوان یکی از روش‌های تحصیل امنیت معرفی شده است؛ زیرا بدنگذشتن روز از جمله‌ی مصادیق امنیت است.

تو را دانش و دین رهاند درست در رستگاری بیایدت جست
و گر دل نخواهی که باشد نژند نخواهی که دائم به وی مستمند
به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

مهرآبادی در شرح این ابیات می‌نویسد: «ای انسان! همانا که رهایی تو به دانش و دین است. پس بر تو است جستن راه رستگاری. اگر نخواهی که دلت نژند باشد و پیوسته مستمند باشی، به گفتار پیامبر خود گرای و به این آب، دل خود را از تیرگی‌ها بشوی» (همان، ج ۱: ۳۶).

همان‌گونه که مشخص است، دانش و دین‌داری نیز در ابیات فوق به‌مثابه عامل رهایی و رستگاری معرفی شده‌اند و در جای خود بر امنیت دنیوی (رهایی) و اخروی (رستگاری) دلالت دارند. عمل به گفتار پیامبر (ص) نیز عامل امنیت فردی، روحی، اخلاقی و امنیت اقتصادی معرفی شده است.

۲،۷. مؤلفه‌ی هفتم؛ راهکارهای استراتژیک

در مکتب امنیتی متدانی، چه در حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود و چه در جنگ، صلح یا دفاع، ارزش‌های مادی و دنیوی بر ارزش‌های الهی و معنوی مقدم می‌شوند: «الَّذِينَ يَسْتَجِبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (ابراهیم:

۳؛ اما در مکتب امنیتی متعالی، چه در حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود و چه در جنگ، صلح یا دفاع، ارزش‌های الهی و معنوی بر ارزش‌های مادی و دنیوی مقدم می‌شوند: « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ » (حجرات: ۱۵).

بررسی شاهنامه نشان می‌دهد می‌توان به ابیاتی اشاره کرد که بر راهکارهای استراتژیک متعالی اشاره داشته باشند. هم‌چنین به ابیاتی نیز می‌توان اشاره کرد که به راهکارهای استراتژیک متدانی اشاره دارند؛ به‌ویژه ابیاتی که در مورد شخصیت‌های منفی شاهنامه، مانند ضحاک، سخن‌سرایی کرده‌اند.

چو رفتی سوی کشور کاردار بدو شاه گفتی درم خوار دار
نباید که مردم فروشی به گنج که بر کس نماند سرای سپنج

مهرآبادی (۱۳۷۹) در شرح ابیات فوق می‌نویسد: «چون کارداری به‌سوی کشوری می‌رفت، شاه به او می‌گفت: درم را در نزد خود خوار بدار و بدان که هرگز نباید مردم را به گنج بفروشی؛ زیرا که این سرای سپنجی برای هیچ‌کسی نمی‌ماند» (ج ۲: ۸۰۵).

این بیت به یک راهکار استراتژیک متعالی اشاره دارد؛ زیرا مردم جامعه را دارای کرامت می‌شمرد و تصریح می‌کند حاکم جامعه نباید منافع مادی خود را بر مردم خود مقدم بدارد و کرامت آن‌ها در ازای منافع زودگذر دنیایی فدا کند.

چو خواهی که آزاد باشی ز رنج بی‌آزار و بی‌رنج آگنده گنج
بی‌آزاری زبردستان گزین بیابی ز هرکس بداد آفرین

مهرآبادی در شرح ابیات فوق نوشته است:

اینک ای شهریار! این سخن را از دانا بشنو و گیتی را این‌گونه آباد بدار. اگر می‌خواهی که از رنج آزاد و بی‌آزار باشی و بی‌هیچ رنجی، گنج بی‌آکنی، پس بی‌آزاری زبردستان را برگزین تا از برای این دادگری از هرکسی آفرین بیابی (همان، ج ۲: ۸۰۸).

این ابیات نیز بر یکی دیگر از راهکارهای استراتژیک امنیت متعالی دلالت دارند. اذیت‌نکردن زبردستان که در سطح کلان معادل مردم جامعه است، امنیت حکومت را در پی دارد و پشتوانه‌ی

محکمی برای حفاظت از حکومت محسوب می‌شود.

اگر کشور آباد داری بداد بمانی تو آباد وز داد شاد
 ز دادش جهان یک‌سر آباد کرد دل زبردستان به‌خود شاد کرد
 ایبات فوق نیز بر همان راهکار استراتژیک اشاره شده در ایبات قبل دلالت می‌کنند.
 تو را روزگار اورمزد آن بود که خشنودی پاک یزدان بود
 به یزدان گرای و به یزدان گشای که دارنده اویست و نیکی فزای
 ز هر بد به دادار کیهان پناه که او راست بر نیک و بد دستگاه
 کند بر تو آسان همه کار سخت ز رای دل‌افروز و پیروز بخت
 مهرآبادی در شرح این ایبات می‌نویسد:

پس هرکه خواهان سرانجام نیک است، در گیتی هیچ به‌جز نام نیک برجای نگذارد.
 به یزدان بگرای؛ زیرا که او دارنده و نیکی‌فزای است. از هر بدی به دادار گیتی پناه
 ببر؛ چرا که او بر هر نیک و بد توانست و هر کار سختی را بر تو آسان گرداند و
 از اوست که دل‌افروز و پیروز بخت هستی. (همان: ۸۰۹).

این ایبات نیز بر یکی دیگر از راهکارهای استراتژیک متعالی در شاهنامه‌ی فردوسی اشاره
 دارند. بنابر دلالت این ایبات، در همه‌ی شرایط باید برای حل‌وفصل کارها از یزدان کمک گرفت؛
 لازمه‌ی این کار نیز این است که ارزش‌های الهی را بر ارزش‌های معنوی مقدم بداریم.

نتیجه‌گیری

در این مقاله در پاسخ به این سوال که وجوه امنیتی شاهنامه‌ی فردوسی کدام است، نتایج ذیل
 به‌دست آمد: ۱. در ایبات متعددی از شاهنامه‌ی فردوسی به موضوع امنیت اشاره شده است. ۲. شاهد
 مثال‌های زیادی را می‌توان در شاهنامه‌ی فردوسی برای هر یک از مؤلفه‌های هفتگانه‌ی مکاتب امنیتی
 (مفهوم، ابعاد، مرجع، سطوح، دوست و دشمن، روش‌های تحصیل و راهکارهای استراتژیک امنیتی)
 ذکر نمود. ۳. در شاهنامه‌ی فردوسی، هم به امنیت متدانیه - به‌ویژه در داستان‌هایی که به شخصیت‌های
 منفی شاهنامه مانند ضحاک، افراسیاب و غیره - اشاره شده است؛ و هم به امنیت متعالیه، به‌ویژه در
 اشعاری که از شخصیت‌های مثبت مانند کاوه، رستم، فریدون و غیره سخن می‌رود.

منابع

قرآن کریم.

۱. امام خمینی (۱۳۷۸). *صحیفه‌ی امام*. تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. البنداری اصفهانی، فتح بن علی (۱۹۹۳م). *الشاهنامه نظمها بالفارسیه ابوالقاسم الفردوسی*. قاهره: دار سعاد الصباح.
۳. بوزان، باری و دیگران (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. لکزایی، نجف (۱۳۹۳). امنیت متعالیه. در *فصلنامه سیاست متعالیه*، شماره‌ی پنجم، ۷-۲۸.
۵. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*. تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
۶. فردوسی، ابوالقاسم (بی‌تا). *شاهنامه*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
۷. کرم‌زاده دیزجی، محمدصادق (۱۳۹۴). *امنیت در شاهنامه*. تهران: انتشارات فقه‌الصادق.
۸. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹). *شاهنامه کامل فردوسی به نثر پارسی*. تهران: نشر روزگار.
۹. مرکز تحقیقات کامپیوتری نور (بی‌تا). *جامع الاحادیث ۳/۵*. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
۱۰. نصیری، علی‌اصغر (۱۳۹۶الف). *امنیت و آزادی در حوزه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی*. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع).
۱۱. _____ (۱۳۹۶ب). بررسی نسبت بین امنیت سیاسی و آزادی سیاسی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری. در *پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی*، شماره‌ی ۲۳، ۹۷-۱۱۳.
۱۲. ورام بن ابی فراس، مسعودبن عیسی (۱۴۱۰ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
۱۳. یغمایی، اقبال (۱۳۶۷). *ز گفتار دهقان؛ شاهنامه به نظم و نثر*. تهران: توس.